



شنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۳



شماره ۴۱۷۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

حزب کارگر پس از ۱۴ سال به نخست‌وزیری انگلیس دست یافت

# استارت چپ‌ها با استارمر



**سیدمهدی طالبی**  
دبیرکروه جهان‌شهر

پس از فرانسه، انگلیس دومین کشوری است که طی روزهای اخیر نتایج انتخابات پارلمانی در آن به سمت مخالف دولت مستقر چرخیده است. در فرانسه راست‌های ایدئیکال منظر فراسیدن در دور دوم رقابت‌ها هستند اما در انگلیس حزب کارگر کار را در انتخابات تک‌مرحله‌ای این کشور تمام کرد. حزب کارگر برای نخستین بار پس از ۲۰۰۵ در انتخابات پارلمانی پیروز شده و برای اولین بار از سال ۲۰۱۰ به نخست‌وزیری دست یافته است. نزدیک به دو دهه زمان لازم بود تا این حزب بتواند از آثار مصیبت بار ریاست تونی بلر و طرفدارانش زهایی یابد. این گروه در حزبی که باید چپ‌گرا باشد به سمت راست چرخیدن و علاوه‌بر آن در همراهی با محافظه‌کاران جنگ طلب حاکم پر آمریکا به جنگ دو کشور افغانستان و عراق لشکرکشی کردند. آثار زیان‌بار این دو جنگ مردم انگلیس را از بلر متنفر کرد تا نخست‌وزیری از دستان حزب کارگر خارج شود. به نظر می‌رسد این بار آثار سهمگین برگزیت و جنگ اوکراین حکومت رقیب آنها را واگزون کرده است. آمارها نشان می‌دهد حزب کارگر به ۲۱۲ کرسی دست یافته است. در پارلمان ۶۵۰ عضوی انگلیس به دست آوردن ۳۲۶ کرسی برای تشکیل دولت کافی است. حزب کارگر ۸۶ کرسی بیشتر از حد نصاب معمول به دست آورده و می‌تواند با فرغ بال دولتی یک دست تشکیل دهد. در مقابل حزب محافظه‌کار شکست سختی خورده و تنها ۱۳۱ کرسی کسب کرده است. با این نتایج کی استارمر، رهبر آرام و کمتر شناخته شده حزب کارگر به عنوان نخست‌وزیر مامور تشکیل دولت شده است. استارمر به اندازه‌ای برای افکار عمومی انگلیس مبهم است که می‌توان گفت آنها به حزب کارگر اعتماد کرده‌اند، نه او.

#### چپ مدرن شده کارگری – حقوق بشری

استارمر همانند بوریس جانسون در حزب محافظه‌کار یا جرمی کوربین در حزب کارگر واجد شرایط شخصی محبوبیتی نیست. او همانند رهبران کاربزماتیک توانایی جلب توجه ندارد اما همچون رهبری جدی پله‌های رشد را بالا رفته است.

خاستگاه خانوادگی و طبقه اجتماعی‌اش متمایل به حزب کارگر است. پدر او ابزارساز و مادرش پرستار و هر دو طرفدار حزب کارگر بوده‌اند. خود وی نیز یک وکیل است. به لحاظ خانوادگی و منشی سیاسی وی چپ‌گراست اما در برخورد با زندگی و پیشه شخصی‌اش او همانند چپ‌های مدرن بر حق و حقوق مردم و مسائل حقوق بشری علاقه‌مند شده است.

استارمر ۶۰ساله که متولد ۱۹۶۲ است، به نسبت دیر وارد جریان اصلی سیاسی کشورش شده است. او در سال ۲۰۱۵ به پارلمان راه یافت و پنج سال بعد در ۲۰۲۰، پس از کوربین به رهبری حزب رسید. دستور کار اصلی او مقابله با بهودی ستیزی در حزب بود که کوربین و طرفدارانش به آن متهم بوده و تحت فشارهای شدید از رهبری حزب پاکسازی شدند. استارمر طی جنگ طوفان الاقصی نیز به حمایت از رژیم صهیونیستی و جنایت‌هایش پرداخت اما به دلیل افزایش فشارها موضع خود را تعدیل کرد. افکار عمومی انگلیس به طور عمومی و طرفداران حزب کارگر به طور خاص از جنایت‌های رژیم در غزه خشمگینند. فشارهای مردمی به حدی در انگلیس علیه رژیم زیاد بوده که حتی وزیر کشور سوناک نیز به دلیل ضدیت با طرفداران فلسطین ناگزیر از ترک سمتش شد. استارمر نیز پس از مواجهه با این واقعیت با تل‌آویو فاصله‌گذاری اندکی به شکل تاکتیکی کرد.

#### نکات

انگلیس یکی از پنج عضو دائم و دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل، یکی از سه قدرت اصلی قاره اروپا و وارث امپراطوری بزرگی است. امروزه در سایه روند تکرر قدرت و افول قدرت انگلیس، دیگر دولت این کشور تأثیرات بزرگی بر جهان ندارد اما مهم آن است که این تغییرات می‌تواند منطبق بر تحولات جهانی باشد. به عبارتی دیگر لندن نشینان با تشخیص تحولات، خود را با آن منطبق می‌کنند. در ادامه در ارتباط با انتخابات اخیر این کشور به نکاتی عمومی و خاص اشاره شده است.

۱. در انگلستان همانند آمریکا که مستعمره اصلی و انگلیسی‌نشین این کشور بوده، نظام دو حزبی برقرار است. به‌دلیل تفوق دو حزب محافظه‌کار و حزب کارگر، هیچ حزب و فرد دیگری قادر به کسب رهبری یا تحت تأثیر قرار دادن عمده سه قوه نیست.

۲. حزب محافظه‌کار به‌طور تقریبی همانند حزب جمهوری خواه و حزب کارگر مشابه حزب دموکرات است. البته تفاوت‌های فضای سیاسی دو کشور را نیز باید در نظر گرفت.

۳. حزب کارگر در دوران نخست‌وزیری تونی بلر و گوردن براون کمتر شبیه نامش بود. این دو حزب را به چیزی همانند حزب دموکرات تبدیل کرده بودند اما امروزه غلبه مجدد سوسیالیست‌ها و چپ‌گرایان هویت اصلی حزب کارگر را احیا کرده است. اگر حزب دموکرات با اعمال قدرت اوپاما و کلینتون‌ها مانع از انتخاب برنی سندرز چپ‌گرا در سال ۲۰۱۶ به عنوان نامزد نهایی دموکرات‌ها شد تا این حزب هویتی چپ پیدا نکند، اما در انگلیس چپ‌ها بالاخره جایگاه رسمی خود در حکومت را بازیس گرفتند. با جرمی کوربین و کی استارمر علی‌رغم تفاوت‌هایشان ماهیت پیشین خود را بازیافته و به نامش شبیه‌تر شده است.

۴. احزاب در بریتانیا طی بیش از چهار دهه اخیر، بیشتر از سه دوره برسرکار بوده‌اند. حزب محافظه‌کار از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ به مدت ۱۸ سال، حزب کارگر از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ به مدت ۱۳ سال، حزب محافظه‌کار از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ به مدت ۱۴ سال قدرت را در دست داشته‌اند. کمیته حضور احزاب در قدرت طی ۴ دهه اخیر ۱۳ سال و بیشینه ۱۸ سال بوده است. کمیته ۱۳ سال به طور طبیعی یک‌سال بیشتر از سه دوره ۴ ساله پارلمانی است.

۵. طی دوره ۱۸ساله محافظه‌کاران از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ دو نخست‌وزیر بر سرکار بودند. مارگارت تاچر از ۱۹۷۹تا۱۹۹۰ به مدت ۱۱ سال و جان میجر از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ به مدت ۷ سال برسرکار بودند.

طی دوره ۱۳ساله حزب کارگر از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ دو نخست‌وزیر به قدرت رسیدند. تونی بلر از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ به مدت ۱۰ سال و گردون براون از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ به مدت ۳ سال برسرکار بودند.

با این حال در مدت ۱۴ساله حکومت محافظه‌کاران از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ آنها پنج نخست‌وزیر داشتند. دیوید کامرون از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ به مدت ۶ سال، ترزا می از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ به مدت ۳ سال، بوریس جانسون از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ به مدت ۳ سال، لیز تراس در سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۲ به مدت ۲ ماه

و ریشی سوناک از ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ تا مدت ۲ سال نخست‌وزیر بوده‌اند. در دوره اخیر زمان پایداری یک حزب در قدرت تقریباً ثابت مانده است، اما افزایش تعداد نخست‌وزیران در این دوره ثابت، قابل توجه است. این مساله نیاز به بررسی دارد. حزب محافظه‌کار از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ به مدت ۶ سال یا تقریباً نیمی از دوره قدرت خود را با یک نخست‌وزیر گذراند. تنها پس از برگزاری برگزیت بود که نخست‌وزیر وقت که گفته می‌شد مخالف آن بود، استعفا داد. از این رو دوره‌های پایداری یک حزب در قدرت ثابت مانده اما پدیده برگزیت یا مسائل مرتبط با آن باعث افزایش تعداد نخست‌وزیران و کاهش دوره آنها شده است.

۶. فرمانروم برگزیت در سال ۲۰۱۶ برگزار شد اما خروج عملی در سال ۲۰۲۰ حدود ۲ سال بعد رخ داد. در این دوره دست‌کم یک نخست‌وزیر به دلیل مشکلات در مسیر اجرای برگزیت استعفا داد.

۷. استعفا‌ی دیگر نخست‌وزیران عمدتاً به‌دلیل مشکلات اقتصادی بوده است. جانسون طعمه مخارج بالای نخستین ماه‌های جنگ اوکراین و رسوایی اطرافیانش شد، لیز تراس به دلیل سیاست‌های اقتصادی خود طی چند روز توسط فعالان عمده اقتصادی سرنگون شد و سوناک نیز به دلیل ناکامی در ساماندهی به اوضاع مالی داخلی به سمت انتخابات زودهنگام رفته و شکست خورد. اگر دیوید کامرون به‌دلیل مخالفت با جدایی از اتحادیه اروپا و ترزا می به دلیل مشکلات اجرایی خروج از اتحادیه قدرت را از دست دادند، پس از اجرای برگزیت، تمام نخست‌وزیران به‌دلیل مشکلات اقتصادی از قدرت کنار رفته‌اند.

۸. خروج از اتحادیه اروپا و وقوع جنگ اوکراین دو دلیل عمده بروز مشکلات اقتصادی در انگلیس به حساب می‌آیند. لندن امیدوار بود زبان‌های خروج از اتحادیه را با برقراری روابط تجاری دو جانبه خارج از مداخله اتحادیه اروپا حل کند. آنها باید در روابط تجاری جهانی خود یک قدرت بزرگ را جایگزین اتحادیه می‌کردند. در این بین در جهان تنها دو قطب اقتصادی بزرگ همانند اتحادیه اروپا وجود داشتند که شامل آمریکا و چین می‌شد. گزینه مطلوب برای انگلیسی‌ها آمریکا بود. لندن مدت‌ها برای برقراری روابط خاص تجاری با واشنگتن صبر و تلاش کرد اما راه به جایی نبرد. نظریه اصلی انتخاب آمریکا متعلق به محافظه‌کاران بود. حالا باید دید با کناره‌گیری حزب مدافع روابط اقتصادی ویژه با آمریکا، آیا حزب کارگر نیز همانند محافظه‌کاران عمل خواهد کرد یا تلاش می‌کند

روابط با اتحادیه اروپا، چین و حتی روسیه را ترمیم کند.

قطعا حزب کارگر نمی‌تواند همان‌گونه که حزب محافظه‌کار آمریکا را برگزید، چین را برگزیند زیرا روابط لندن با واشنگتن قابل قیاس با روابطش با پکن نیست. آمریکا دارای پایگاه‌های نظامی مهمی در انگلیس است و هر دو در ناتو عضویت داشته و خودی به حساب می‌آیند. رابطه با چین اما رابطه با طرفی غیرخودی است. احتمالاً حزب کارگر به سمت ایجاد موازنه حرکت کرده و از مواجهه سنگین با چین خودداری کند. انگلیس هم امیدوار است سرمایه‌های چین را جذب کند و هم سرمایه‌گذارانش بتوانند در چین سرمایه‌گذاری‌های پرسودی را تجربه کنند. انگلیسی‌ها می‌دانند تنها چین با سه تریلیون دلار ذخایر ارزی آشکار و سه تریلیون دیگر که به شکل پنهان جمع‌آوری و هدایت می‌شوند قادر به سرمایه‌گذاری‌های کلان در جهان است. از سوی دیگر برای تولید نه هند و نه آمریکای لاتین و آفریقا با وجود جمعیت انبوه همانند چین شرایط مساعدی ندارند.

۹. به نظر می‌رسد با روی کار آمدن حزب کارگر میزان حمایت از اوکراین و حتی رژیم صهیونیستی کاهش یابد. کاهش حمایت از اوکراین عملی‌واز رژیم لفظی خواهد بود. همزمان در فرانسه نیز پیروزی راست‌های افراطی محتمل است. اگر راست‌های رادیکال در پاریس به کاخ نخست‌وزیری دست یابند، امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه با وجود در دست داشتن هدایت امور سیاست خارجی و دفاعی کار سختی برای تصویب بودجه لازم برای حمایت از اوکراین خواهد داشت. کاهش حمایت محور انگلوساکسونی به رهبری آمریکا و انگلیس و همچنین محور اروپایی به رهبری فرانسه کار اوکراین را در جنگ با روسیه سخت می‌کند.

این پدیده اما به معنای پایان جنگ برای روس‌ها نیست. غرب با آرایش جدید خود کمتر با مسکو سرشاخ می‌شود و از هزینه‌های جنگ با روسیه شانه خالی می‌کند اما به ادامه نبردهای فرسایشی در اوکراین کمک خواهد کرد. غرب می‌خواهد روسیه با تبعات و هزینه کمتری در اوکراین مدیریت شده و همچنان در فرسایش باقی بماند.

۱۰. آنچه در انتخابات ۲۰۱۹ با وجود عملکرد ضعیف به پیروزی بزرگ محافظه‌کاران کمک کرد، هراس ایجاد شده از کوربین بود. حزب محافظه‌کار دست‌کم دو دوره با تنفس مصنوعی به حضور در دولت ادامه داد اما به شکل بدی قدرت را ترک کرد.

کوربین بار دیگر موفق به حضور در پارلمان شده هرچند به دلیل فشارها این ورود در جایگاه نخست‌وزیری نیست اما وی احتمالاً نقش موثری ایفا

خواهد کرد. او در دوره نخست‌وزیری بلر هم‌حزبی‌اش منتقد وی در پارلمان بود. در شرایط کنونی نیز استارمر به‌ویژه در قضیه فلسطین تحت کنترل کوربین قرار خواهد گرفت تا نتواند با آزادی عمل به حمایت از تل‌آویو بپردازد.

۱۱. جرمی کوربین پس از آنکه اسپانیا، ایرلند و نروژ کشور فلسطین را به رسمیت شناختند تأکید کرد دولت این سه کشور به دلیل فشارهای مردمی مجبور شدند دست به این اقدام بزنند. اندکی پیش از آن جورج گالووی از اصلی‌ترین سیاستمداران طرفداران فلسطین پس از مدتی دوری از پارلمان به همان اندازه‌ای بود در انتخابات میان‌دوره‌ای به این نهاد راه یابد. حضور گالووی و کوربین دو سیاستمدار برجسته انگلیسی در پارلمان به همان اندازه‌ای برای صهیونیست‌ها آندوه‌آور است که حضور استارمر با همسر یهودی‌اش آنها را خوشحال کرده است. با حضور کوربین و گالووی حضور نتانیا‌هو در خانه شماره ۱۰ داونینگ استریت نیز نمی‌تواند تل‌آویو را از فشارها و سخنان این دو رها کند. استارمر با دو عنصر قدرتمند در پارلمان مواجه است که مدیریت‌شان دشوار است.

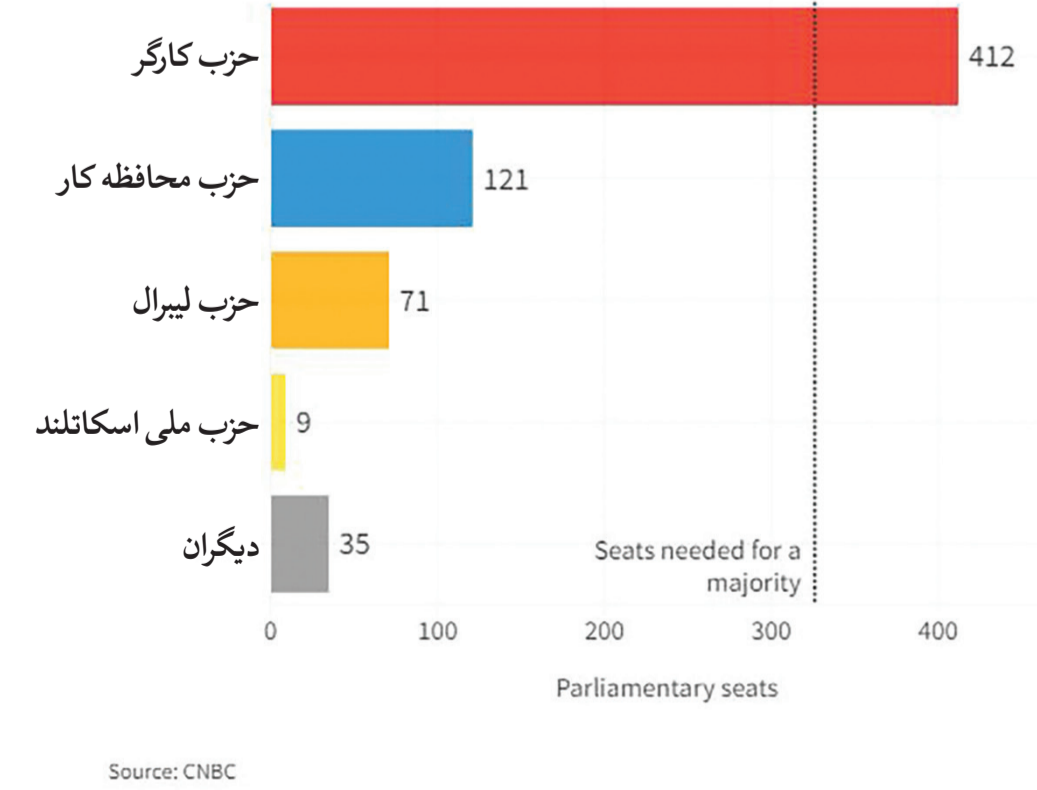
#### کی استارمر و یهودیان

همسر کی استارمر با نام ویکتوریا، یکی از یهودیان لهستانی تباری است که اجدادش در انگلستان ساکن شده‌اند. اسحاق هرتزوک، رئیس رژیم صهیونیستی دقیقاً وضعیتی مشابه او داشته است. اجداد لهستانی‌تبار او در قرن نوزدهم به انگلستان رفتند و پس از آن پدر بزگش موفق شد به مقام خاخام اعظم این کشور برسد. با این حال خانواده او به سرزمین‌های اشغالی رفتند. حضور کی استارمر در قدرت با همسر یهودی‌اش از آنجا دارای اهمیت است که از دوره ترامپ، خانواده روسای‌جمهور چند دولت جهان عرصه تاخت و تاز یهودیان شده است. جرد کوشنر، داماد یهودی ترامپ پس از حضور پدر زرش در کاخ سفید مشاور عالی او شد. وضعیت اما در دوره دموکرات‌ها بدتر شد. هر دو عروس بایدن یهودی هستند و همسر معاون و جانشین او کاملاً هریس نیز یک یهودی است. در دوره بایدن یهودیان به نسبت گذشته به‌لحاظ کمی و کیفی به مسئولیت‌های مهمی از جمله وزارت امنیت داخلی و وزارت دارایی دست یافتند.

در سال ۲۰۱۹ ولادیمیر زلنسکی یهودی رئیس‌جمهور اوکراین شد و در سال‌های میلادی نیز کلودیا یاشیناوم یهودی به ریاست‌جمهوری مکزیک رسید. گابریل اتل،

نخست‌وزیر فرانسه و الیزابت بورن، نخست‌وزیر سابق فرانسه نیز هر دو یهودی‌اند. به این لیست باید میخائیل میشوستین، نخست‌وزیر روسیه را نیز افزود. به‌طور خلاصه امروز شخصیت نخست یا روسای‌جمهور دو کشور اوکراین و مکزیک و شخصیت‌های دوم یا نخست‌وزیر دو کشور فرانسه و روسیه یهودی‌اند. به‌طور کلی مناطق امپراطوری روسیه یا شوروی سابق، به‌دلیل وجود جمعیت‌های عظیم یهودی، دارای سیاستمداران یهودی زیادی بوده‌اند. امروزه یهودیان به دو دسته عمده اشکنازی و سفاردی تقسیم می‌شوند که دسته نخست یعنی اشکنازی‌ها ریشه در سرزمین‌های روسیه یا سرزمین‌هایی که تحت تأثیر روس‌ها بوده‌اند، دارند. به‌عنوان نمونه «بنیامین نتانیا‌هو» نخست‌وزیر رژیم ریشه در کشور مولداوی دارد که یکی از جمهوری‌های شوروی سابق است. همچنین «اسرائیل کاتز» وزیر خارجه رومانیایی‌تبار و «بنزل اسموتریچ» وزیر دارایی مجارستانی‌تبار رژیم صهیونیستی به کشورهای اقماری شوروی سابق در بلوک شرق در اروپای شرقی تعلق دارند. ریشه این یهودیان، اشکنازی به حساب می‌آید؛ اشکنازی‌ها یکی از دو بدنه اصلی یهودیان هستند اما

### نتایج انتخابات پارلمانی انگلیس



نسبت به سفاردی‌ها قدرت و اهمیت بیشتری دارند.

به لحاظ نژادی اما به‌نظر نمی‌رسد اشکنازی‌ها به قوم بنی‌اسرائیل برسند. دین یهودیت به‌شدت در پیوند با قومیت است. این پیوند به میزانی عمیق است که دین حضرت موسی مدت‌هاست نام خود را از قبيله یهودا، یکی از دوازده قبيله بنی‌اسرائیل گرفته است. یهودا و یک قبيله ديگر به مرور ۱۰ قبيله ديگر را شکست دادند که در پیامد آن دیگر یهودیان آواره یا نابود شده و بخشی نیز در این قبيله هضم شدند. با این حال در یهودیتی که قومیت اصل همه چیز است، اشکنازی‌ها کمترین ارتباط با قومیت و نژاد دارند. در هزاره اول میلادی، حکومتی از قبایل چادرنشین ترک‌تبار در قفقاز و کناره‌های دریای کاسپین شکل گرفت که به این قبایل و حکومت‌شان «خزن» یا «خزرها» گفته می‌شد. این حکومت و قبایل ترک‌نژادش برای آنکه به بخشی از امپراطوری اسلامی یا امپراطوری مسیحی تبدیل نشوند، برای حفظ استقلال دین یهودیت را از تجار یهودی فراگرفتند. به مرور مردم این حکومت به نواحی داخلی‌تر روسیه مهاجرت کرده و از آنجا نیز به شرق اروپا ازجمله لهستان و آلمان راه یافتند. این گروه به‌شدت روسیه و شرق اروپا تا شمال را تحت تأثیر قرار داده‌اند به‌گونه‌ای که حتی ریشه یهودیان قدرتمند در شمال و شمال غرب اروپا نیز به اشکنازی‌ها می‌رسد. اشکنازی‌ها قومی قدرتمند، ترک‌تبار و غیربنی‌اسرائیلی هستند که حول دین یهودیت تجمع کرده و به‌نظم درآمد‌اند.

منحصر دیدن یهودیان و اقدامات حکومتی آنها در رژیم صهیونیستی یا حتی آمریکا خیالی خام است. آنها در روسیه، اروپا و سراسر آمریکای لاتین و حتی آفریقا دارای حضور دولتی و در رأس قدرت هستند. به عبارتی دیگر یهودیان اشکنازی را که تباری ترک دارند و امروزه جزئی از بازی یهودی هستند، باید نشانه‌ای از بازی بزرگ یهودیان دانست. اشکنازی‌های غیربنی‌اسرائیلی که خود از خارج قومیت جذب یهود شده‌اند، سالیان زیادی است که به‌دنبال گسترش جمعیتی و جغرافیایی یهودیان با نشانه‌سازی و داستان‌پردازی هستند. ازجمله اقدامات آنها انتساب برخی از اقوام به قوم بنی‌اسرائیل است. آنها ادعا می‌کنند درصد یافتن ۱۰ قبيله گمشده یهودی یهودی مقاصد شوم آنان انتساب قوم تات در ایران و قفقاز به یهودیت و همچنین قوم بزرگ پشتون به یهودیت است. اولی در قفقاز به تدریج به موفقیت‌هایی رسیده، اما دومی در افغانستان به شکست انجامیده است. تقویت حضور یهودیان آن هم در اس قدرت‌کشورها که حتی شامل دولت‌های قدرتمند جهان نیز می‌شود، موضوع ساده‌ای نیست. آنها بخشی از ساختار قدرت یهودند و با وجود این گروه، همواره توطئه‌های جهانی و همه‌شمول درحال ارتقا هستند. همان‌گونه که با حضور بایدن در کاخ سفید به‌جای ترامپ تنش‌ها میان دو کشور کاهش نیافت، با حضور استارمر به‌جای سوناک نیز روابط لندن و تهران بهبود نخواهد یافت. بایدن و استارمر همانند ترامپ تحت تأثیر شدید و مستقیم یهودیان، حامی اعمال فشارهای سنگین علیه ایران هستند.